

A Juristic-Interpretive Re-reading of Qur'an 2:282 Using Modern Tools: Women's Testimony System

Shaqayeq Amiryān¹

Abstract

Advances in technology in natural language processing have made it possible to apply artificial intelligence in jurisprudential and interpretive studies. The central issue of this research is a juristic-interpretive re-reading of Qur'an 2:282, focusing on the concept of "taḍill" (التَّضِلُّ) and the place of women's testimony within the legal system of Islam—an area that has been less examined through the lens of modern technologies. The aim of this study is to conduct an applied and comparative analysis of this verse using natural language processing models and artificial intelligence technologies in order to reconstruct the historical, linguistic, and social contexts surrounding the ruling related to women's testimony. The research method is descriptive-analytic and based on extracting semantic data from juristic and exegetical texts using machine learning algorithms. The results indicate that the testimony system of "two women versus one man" is, more than a fixed and unchangeable ruling, a reflection of the historical and social conditions at the time of the verse's revelation. Therefore, using artificial intelligence can help re-define gender justice in contemporary Islamic jurisprudence and pave the way for new ijtihād based on scientific and social foundations.

Keywords : Artificial intelligence; natural language processing; women's testimony; Qur'an 2:282; semantic analysis.

1 . PhD student, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, **Faculty of Theology and Islamic Studies**, University of Sistan and Baluchestan, **Zahedan, Iran**; graduate of Level 3 of the Islamic Seminary (*Hawzah*), Imam Sadiq Higher Educational Center, **Shahrud**.
shaghayegh. Amerian1647@gmail.com



إعادة قراءة فقهية-تفسيرية للآية ۲۸۲ من سورة البقرة اعتماداً على أدوات حديثة في نظام شهادة النساء

شقایق عامریان^۱

الملخص

لقد أتاح التقدم في مجال تقنيات معالجة اللغة الطبيعية توظيف الذكاء الاصطناعي في الدراسات الفقهية والتفسيرية. تتمحور مشكلة هذا البحث حول إعادة القراءة الفقهية-التفسيرية للآية ۲۸۲ من سورة البقرة مع التركيز على مفهوم «تَضَلُّ» ومكانة شهادة النساء ضمن النظام القانوني/الحقوقي في الإسلام، وهي مسألة لم تُدرس حتى الآن كثيراً من زاوية تقنيات حديثة. يهدف هذا البحث إلى التحليل التطبيقي والمقارن لهذه الآية باستخدام نماذج معالجة اللغة الطبيعية وتقنيات الذكاء الاصطناعي، بهدف إعادة بناء السياقات التاريخية واللغوية والاجتماعية المرتبطة بإصدار الحكم المتعلق بشهادة النساء. وتتمثل منهجية البحث في دراسة وصفية-تحليلية، تقوم على استخراج البيانات الدلالية من النصوص التفسيرية والفقهية عبر الاستفادة من خوارزميات التعلم الآلي.

وتبين النتائج أن نظام الشهادة «امرأتان مقابل رجل واحد» ليس —بقدر أكبر— حكماً ثابتاً لا يتغير، بل هو انعكاس للشروط التاريخية والاجتماعية زمن نزول الآية. وعليه، يمكن أن يساهم توظيف تقنيات الذكاء الاصطناعي في إعادة تعريف العدالة الجندرية في الفقه الإسلامي المعاصر، وتهيئة الأرضية للاجتهاد الجديد المنبني على أسس علمية واجتماعية.

الكلمات المفتاحية: الذكاء الاصطناعي، معالجة اللغة الطبيعية، شهادة النساء، الآية ۲۸۲ من سورة البقرة، التحليل الدلالي.

۱. طالب دكتوراه في الفقه وأصول الفقه الإسلامي، كلية الإلهيات والعلوم الإسلامية، جامعة سيستان وبلوشستان، زاهدان، إيران. وخريج المستوى الثالث في الحوزة العلمية، المركز العالي للإمام الصادق (عليه السلام)، شاهرود.

shaghayegh. Amerian1647@gmail.com



بازخوانی فقهی - تفسیری آیه ۲۸۲ سوره بقره با بهره‌گیری از ابزارهای نوین بر نظام شهادت زنان

شقایق عامریان^۱

چکیده

پیشرفت‌های فناوری در حوزه پردازش زبان طبیعی، امکان به کارگیری هوش مصنوعی را در مطالعات فقهی و تفسیری فراهم ساخته است. مساله محوری این پژوهش، بازخوانی فقهی - تفسیری آیه ۲۸۲ سوره بقره با تمرکز بر مفهوم «تَضَلُّ» و جایگاه شهادت زنان در نظام حقوقی اسلام است که تا کنون کمتر از منظر فناوری‌های نوین مورد بررسی قرار گرفته است. هدف این مطالعه، تحلیل کاربردی و تطبیقی این آیه با استفاده از مدل‌های پردازش زبان طبیعی و فناوری‌های هوش مصنوعی به منظور بازسازی زمینه‌های تاریخی، زبانی و اجتماعی صدور حکم مربوط به شهادت زنان است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر استخراج داده‌های معنایی از متون تفسیری و فقهی با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که نظام شهادت «دو زن در برابر یک مرد» بیش از آنکه حکمی ثابت و تغییرناپذیر باشد، بازتابی از شرایط تاریخی و اجتماعی زمان نزول آیه است. بنابراین، استفاده از فناوری هوش مصنوعی می‌تواند به بازتعریف عدالت جنسیتی در فقه اسلامی معاصر کمک نموده و زمینه ساز اجتهاد نوین مبتنی بر مبانی علمی و اجتماعی شود.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، پردازش زبان طبیعی، شهادت زنان، آیه ۲۸۲ سوره بقره، تحلیل معنایی

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. و دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه، مرکز عالی امام صادق شاهرود. shaghayegh.

در نظام حقوقی اسلام، شهادت یکی از ابزارهای مهم در اثبات دعاوی و صیانت از عدالت قضایی محسوب می‌شود. آیه ۲۸۲ سوره بقره، به عنوان مفصل‌ترین آیه قرآن، ساختار دقیق و پیچیده‌ای از ثبت دین و اعتبار شاهدان در معاملات مالی ارائه می‌دهد. بخش مهمی از این آیه به نسبت تعداد شاهدان مرد و زن اختصاص دارد، آنجا که می‌فرماید: «فَإِنْ لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ...». همین فراز، در طول تاریخ تفسیری و فقهی، مبنای فهم خاصی از موقعیت معرفتی، روانی یا اجتماعی زن در مقام گواه بوده و در برخی مکاتب فقهی به کاهش اعتبار شهادت زن انجامیده است. با این حال، پرسش مهمی که در فضای معاصر مطرح می‌شود، آن است که آیا این ساختار یک حکم ثابت و تغییرناپذیر است یا بازتابی از شرایط اجتماعی و شناختی زمان نزول آیه دارد؟ در فضای نوین، ابزارهای فناورانه همچون هوش مصنوعی، امکان تحلیل لایه‌مند، تطبیقی و بینارشته‌ای از متون دینی را فراهم آورده‌اند. بهره‌گیری از مدل‌های یادگیری ماشینی، پردازش زبان طبیعی (NLP) و شبکه‌های معنایی می‌تواند به بازسازی زمینه‌های تاریخی، واژگانی و ساختاری آیات کمک کند. این مقاله بر آن است تا با اتکا به همین قابلیت‌ها، روایتی نوین از نظام شهادت در آیه ۲۸۲ ارائه دهد که در آن، مسئله تعداد شاهد زن نه از منظر نقصان ذاتی، بلکه به عنوان برساخته‌ای اجتماعی در بستر تاریخی فهمیده شود. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که بازخوانی فقهی-تفسیری این گونه آیات، در پرتو ابزارهای جدید، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در فهم اجتهادی و عدالت محور در فقه اسلامی باشد، به ویژه در حوزه‌هایی چون عدالت جنسیتی و نظام بینه. بر این اساس، بررسی قابلیت‌های هوش مصنوعی در تحلیل تطبیقی متون فقهی و تفسیری، بازسازی زمینه نزول و اقتضائات اجتماعی آیه ۲۸۲ و ارزیابی امکان بازتعریف اعتبار شهادت زنان در فقه معاصر بر مبنای تحلیل داده‌محور، از اهداف نوشتار حاضر





قلمداد می گردند. پژوهش از منظر روش شناسی، توصیفی-تحلیلی است؛ بدین معنا که ابتدا به تحلیل محتوای تفاسیر معتبر پرداخته می شود، سپس با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، مدل معنایی آیه و بافت های تفسیری و فقهی مرتبط تحلیل می گردد تا زمینه برای مقایسه تطبیقی تفاسیر سنتی و تحلیل های معاصر فراهم شود. پیشینه های موجود نشان می دهد که اگرچه مطالعاتی در زمینه فقه شهادت زنان و نیز استفاده از فناوری در مطالعات اسلامی انجام شده، اما تاکنون پژوهشی مستقل و میان رشته ای که از منظر هوش مصنوعی به تحلیل یک آیه خاص مانند آیه ۲۸۲ با رویکرد فقهی-تفسیری بپردازد، ارائه نشده است. براین اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین است: هوش مصنوعی چگونه می تواند در بازخوانی فقهی-تفسیری آیه ۲۸۲ سوره بقره، زمینه ساز فهمی نوین از نظام شهادت به ویژه در رابطه با جایگاه زنان باشد؟ بررسی دقیق این مساله می تواند گامی مهم در جهت توسعه فهم فقهی و تطبیقی متناسب با تحولات علمی و اجتماعی امروز باشد و افق های جدیدی را برای اجتهاد نوین مبتنی بر عدالت جنسیتی بگشاید.

۱- مفهوم شناسی واژگان

۱-۱- شهادت

واژه «شهادت» از ریشه ثلاثی «شهد» گرفته شده که در صرف عربی به صورت «یشهد» و «شهوداً» صرف می شود. در لغت، این ریشه دلالت بر مفاهیمی چون حضور، دانستن و اطلاع رسانی دارد و این معانی در تمام مشتقات آن نیز یافت می شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۲۱). برخی صاحب نظران براین باورند که «شهود» و «شهاده» به معنای حضور یا گواهی دادن است که این امر یا از طریق مشاهده حسی، یا از راه تفکر و بینش حاصل می شود. در این میان، واژه «شهاده» بیشتر به معنای مشاهده نزدیک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵). براین اساس، می توان گفت «شهاده» به معنای بیان آگاهانه مبتنی بر دیدن یا درک مستقیم با حواس یا بصیرت است. همچنین برخی



لغو یون، «شهادت» را به معنای خبر یقینی و «شاهد» را حاضر، ناطق یا حتی فرشته دانسته‌اند و جمع آن‌ها به صورت «اشهاد» و «شهود» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۲۳۹؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۲ / ۴۹۴). در معنای اصطلاحی، «شهادت» در فقه شیعه به عنوان اظهار قطعی شخص ثالث در نزد قاضی درباره حقی که به سود دیگری قابل اثبات باشد، تعریف می‌شود. به بیان دیگر، شهادت عبارت است از گزارش و گواهی فردی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از وقوع یا عدم وقوع واقعه‌ای آگاهی دارد. در فقه شیعه، شهادت باید بر پایه حقیقت و عدالت شهود باشد و طبق نظر بسیاری از فقیهان، شرایط خاصی برای پذیرش آن وجود دارد (نجفی، ۱۴۱۰: ۴۱ / ۷؛ خوئی، ۱۴۱۷: ۴ / ۲۳). این تعریف در راستای اصول فقهی شیعه است که در آن به اعتبار عدالت شاهد و تطابق شهادت با واقعیت تاکید می‌شود. در این پژوهش، توجه ویژه‌ای به جایگاه شهادت زنان در آیه ۲۸۲ سوره بقره و تاثیر آن در نظام حقوقی اسلام داریم.

۲-۱- هوش مصنوعی

هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) علمی میان‌رشته‌ای است که به طراحی و توسعه سامانه‌هایی می‌پردازد که قابلیت انجام فعالیت‌های هوشمندانه انسانی مانند یادگیری، استدلال، استنتاج و تحلیل داده‌ها را دارند (Russell & Norvig, 2021, p26). این فناوری مبتنی بر الگوریتم‌های پیچیده و مدل‌های یادگیری ماشین است که توانایی استخراج الگوهای معنایی و تحلیل متون پیچیده را فراهم می‌کند (Goodfellow, 2016, p38).

در حوزه فقه و علوم دینی، هوش مصنوعی به عنوان ابزاری نوین، توانایی بازخوانی و تحلیل دقیق متون شرعی، از جمله آیات قرآن و روایات، را داراست. استفاده از تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی (NLP) و یادگیری عمیق در این زمینه، امکان تفسیر دقیق‌تر، شناسایی روابط معنایی پنهان و کشف تناقضات یا ابهامات را میسر می‌سازد (Almalki, 2020, p112). به ویژه در موضوعات حساس و پیچیده‌ای مانند نظام شهادت

زنان، هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل گسترده متون تفسیری و فقهی، دیدگاه‌های مختلف را مقایسه و بازتعریف نماید و به بازخوانی نوین و تطبیقی آیات قرآن کمک کند. علاوه بر این، هوش مصنوعی می‌تواند در فرایند استخراج و سازماندهی داده‌های فقهی نقش مؤثری داشته باشد؛ به طوری که براساس حجم وسیعی از منابع و فتاوی، الگوریتم‌ها قادرند به قضاوت‌های دقیق‌تر و مستدل‌تر در زمینه ارزش و اعتبار شهادت زنان برسند. این موضوع موجب ارتقای فهم و به‌روزرسانی مستندات فقهی می‌شود و می‌تواند در پاسخ به تحولات اجتماعی و فرهنگی معاصر نیز کارآمد باشد (Jop89 & hanssonBrennan). در نهایت، کاربرد هوش مصنوعی در فقه تفسیری، زمینه‌ساز ایجاد نظامی تحلیلی و هوشمند برای بازخوانی آیات و احکام شرعی است که می‌تواند موجب تعمیق فهم و پویایی بیشتر در نظامات فقهی و حقوقی شود.

۲- تحلیل مفسران درباره آیه ۲۸۲ سوره بقره و بخش «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا...»

با بررسی تفاسیر مختلف پیرامون این آیه، مشاهده می‌شود که هریک از مفسران از دیدگاهی خاص به موضوع شهادت زنان و تفاوت آن با شهادت مردان پرداخته‌اند. در آیه مذکور، دلیل عدم تساوی شهادت زنان و مردان با عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا» برای زنان مطرح شده است. از آنجایی که علت «ضلال» به طور صریح در آیه بیان نشده، برداشت‌های متنوعی درباره معنای این واژه ارائه شده که اساس دیدگاه‌های مفسران را تشکیل می‌دهد. به عنوان نمونه، ابن قتیبه در این رابطه آورده است که «ضلال» می‌تواند سه معنا داشته باشد: نخست حیرت و انحراف از مسیر حق، مانند آنچه در آیه «وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى» (ضحی: ۷) آمده؛ دوم فراموشی و غفلت، همانند آیه «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء: ۲۰)؛ و سوم نابودی و هلاک، همان‌طور که در «وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ» (سجده: ۱۰) بیان شده است (ابن قتیبه، بی‌تا: ۲۵۴). با این حال، باید توجه داشت که دیدگاه‌های مفسران در این زمینه، هرچند از نظر تخصصی قابل توجه است، اغلب بر پایه مستندات روایی قوی نیست و بیشتر جنبه فرضی و تفسیری دارد. در





ادامه، مهم‌ترین نظریات مطرح شده توسط مفسران درباره این موضوع، به تفصیل بررسی خواهد شد.

۲-۱- ضعف عقل، حافظه و فراموشی در تفسیر آیه ۲۸۲ سوره بقره

در این دیدگاه، سه دسته نظریه پردازان وجود دارند که هر گروه با استدلال‌های ویژه خود به تبیین موضوع پرداخته‌اند. دسته اول در توضیح علت تفاوت شهادت زنان و مردان در آیه ۲۸۲ سوره بقره، دیدگاهی را مطرح کرده‌اند که این تفاوت را به ضعف عقل و حافظه زنان و تمایل بیشتر آن‌ها به فراموشی نسبت می‌دهد، به طوری که عبارت «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا» به این معنا تفسیر شده که در صورت فراموشی یکی از دو زن، دیگری او را متذکر شود، چرا که زنان به دلیل عقل کمتر و مزاج سردتر، بیشتر در معرض فراموشی هستند، برخلاف مردان که از عقل بیشتر و مزاج گرم‌تر برخوردارند. این دیدگاه که در آثار فقها و مفسرانی چون فاضل مقداد، لاهیجی، شیخ طوسی، ابن کثیر و مقدس اردبیلی نیز دیده می‌شود (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۵۱/۲؛ لاهیجی، ۱۳۴۰: ۲۸۷؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴/۲۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱/۵۶۱؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۴۴۶)، برای فرض استوار است که شهادت دو زن می‌تواند مکمل یکدیگر باشد و نقص حافظه یا خطای یکی را جبران کند، که این رویکرد در برخی نظام‌های قضایی نیز با پرسش از شهود به صورت همزمان یا متناوب، منعکس شده است (ثقفی تهرانی، ۱۳۷۶: ۱/۳۶۰).

دسته دوم از مفسران، نقص عقل زنان را رد کرده و علت را ضعف حافظه آنان می‌دانند. از دید این عده، دلیل قرار دادن دو زن به جای یک مرد به خاطر تفاوت در میزان حافظه است نه ضعیف بودن عقل. زنان به دلیل مشغولیت‌های متعدد در خانواده و امور خانه، ممکن است صحنه‌ای را فراموش کنند، بنابراین حضور دو شاهد زن تضمین‌کننده یادآوری و دقت بیشتر است (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۴۶). این دیدگاه همچنین با یافته‌های علمی همراه است که وزن مغز زنان کمتر از مردان است و در نتیجه حافظه ضعیف‌تری دارند (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۳/۱۱۱). برخی دیگر نیز تأکید دارند که

این تفاوت صرفاً به دلیل ضعف حافظه و فراموشی بیشتر زنان نسبت به مردان است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰: ۳ / ۳۶). تفاسیر متعددی از جمله «فتح البیان» (حسینی بخاری، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۵۲)، «منهج الصادقین» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۲ / ۱۵۲) و «احسن الحدیث» (قرشی، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۳۲) نیز ضعف یا نقصان حافظه را به عنوان دلیل اصلی مطرح کرده‌اند.

گروه سوم معتقدند که زنان ذاتاً فراموش کارتر از مردان هستند و این علت اصلی قرار گرفتن دوزن به جای یک مرد در شهادت است. در این دیدگاه، زنانی که به عنوان شاهد حضور دارند ممکن است قسمتی از ماجرا را فراموش کنند، لذا حضور شاهد دوم به یادآوری کمک می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۳۰). برخی این غلبه فراموشی را یکی از اسرار حکمت الهی در تعیین این حکم می‌دانند (امین، بی‌تا: ۲ / ۴۴۹). همچنین بیان شده که در دوران جاهلیت زنان کمتر در امور اجتماعی حضور داشتند، بنابراین خداوند به منظور اطمینان بیشتر، دوزن را برابر با یک مرد قرار داده است (ابن عاشور، بی‌تا: ۲ / ۵۷). این دیدگاه در تفاسیر دیگری مانند تفسیر «هاشمی رفسنجانی» (هاشمی، ۱۳۷۶: ۲ / ۲۹۹) و «البحر المحیط» ابوحیان اندلسی (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲ / ۷۳۳) نیز منعکس شده است. در نهایت، این تفاوت بین زنان و مردان بیشتر به وضعیت طبیعی و ذاتی آنان بازمی‌گردد و تغییر شرایط زمانی، مکانی و پیشرفت‌های فکری زنان نمی‌تواند این ضعف را جبران کند. هرچند با دقت بیشتر می‌توان دریافت که این اختلاف بیشتر جنبه عرضی دارد و با افزایش حضور و توانمندی زنان در جامعه می‌توان به تدریج این کاستی‌ها را کاهش داد.

۲-۲- جنبه‌های عاطفی و روانی زنان در شهادت

برخی مفسران برجسته معتقدند که در نظام حقوقی اسلام، عقلانیت بر احساسات اولویت دارد. از آنجا که زنان طبیعتاً تمایل بیشتری به احساسات دارند، این مسئله در تدوین قوانین مورد توجه قرار گرفته است. آیه «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرْ إِحْدَاهُمَا





الأُخْرى» به اهمیت نقش عاطفی و حس مادری در زنان اشاره دارد که گاهی ممکن است بر قضاوت و عدالت آنان تأثیر بگذارد. این طبیعت مادرانه و تأثیرپذیری از احساسات، ممکن است در ارائه شهادت دقیق خلل ایجاد کند. از این رو، شهادت دو زن به جای یک مرد قرار داده شده تا در صورت اشتباه یکی از آنان به دلیل تأثیر عاطفی، دیگری او را تصحیح کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵/۱۷۰). همچنین، حساسیت و واکنش‌پذیری بیشتر زنان به دلیل نقش تربیتی و عاطفی، ممکن است باعث شود دقت کمتری در جزئیات شهادت داشته باشند. به همین دلیل، حضور دو شاهد زن در کنار هم برای جلوگیری از بروز اشتباه و تضمین صحت گواهی ضروری دانسته شده است (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵: ۴/۳۷۰؛ داورپناه، ۱۳۷۵: ۴/۵۵۱). در مواردی که یافتن دو شاهد مرد دشوار است، اجازه شهادت دو زن داده می‌شود. این امر به دلیل تفاوت‌های طبیعی و میزان آگاهی و دقت زنان نسبت به جزئیات، که ممکن است تحت تأثیر احساسات قرار گیرد، صورت گرفته است. این تمایز بر اساس سرشت و ساختار روانی زن و پیوند آن با نقش مادری و ویژگی‌های عاطفی وی است و شارع مقدس برای حفظ عدالت، چنین مقرراتی را وضع کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۲۸۷؛ قطب، ۱۳۸۶: ۱/۳۳۵).

۲-۳- محدودیت حضور زنان در فعالیت‌های خارج از منزل

برخی مفسران معتقدند که جایگاه اصلی زنان در تربیت فرزندان و امور خانگی است و از آنجا که حوزه شهادت (به‌ویژه در مسائل اجتماعی و اقتصادی) خارج از محدوده فعالیت‌های ذهنی، فکری و حسی آنان قرار دارد، اعتبار شهادتشان در این حوزه‌ها کمتر است. رشید رضا صراحتاً بیان می‌کند که حافظه انسان در اموری که با آن درگیر است، قوی‌تر است. بنابراین، قوانین الهی بر اساس وضعیت اکثریت جامعه و شرایط موجود تنظیم شده‌اند (رشید رضا، ۱۹۹۰: ۳/۱۰۴). این دیدگاه تأکید دارد که اگرچه در عصر حاضر برخی زنان به امور مالی مشغول‌اند، این موارد استثنایی محسوب می‌شوند و

نمی‌توانند فلسفه کلی حکم را تحت تأثیر قرار دهند. عده ای دیگر نیز معتقد اند، اشتغال محدود زنان به امور مالی در عصر حاضر تغییر عمده‌ای در حکم اسلامی ایجاد نمی‌کند، زیرا احکام برای اکثریت جامعه وضع می‌شوند (وهبه الزحیلی، ۱۴۱۸: ۱۱۱/۳). در تفسیر الفرقان ذیل آیه ۲۸۲ بقره، آمده است که «أَنْ تَضِلَّ» به معنای کمبود تجربه زنان در زمینه معاملات است. برخی دیگر از مفسران نیز بیان کرده‌اند که زنان به دلیل مشغولیت‌های دیگر ممکن است بخشی از وقایع را فراموش کنند و لذا ضرورت افزایش تعداد شاهدان زن برای جبران این نقص وجود دارد (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴۸/۱). در نهایت، بر اساس این دیدگاه، تفاوت میان شهادت زنان و مردان ناشی از وضعیت عارضی و اجتماعی زنان است که حضورشان را در رویدادهای اجتماعی محدود کرده و منجر به کاهش تجربه و تسلط ذهنی در برخی حوزه‌ها شده است. این ضعف ناشی از شرایط محیطی و اجتماعی است و نه نقص ذاتی؛ بنابراین، با تغییر شرایط و ارتقاء موقعیت اجتماعی زنان، امکان بازنگری در این احکام وجود دارد.

۲-۴- تعبد به نص و عدم وضوح حکمت و علل احکام الهی

برخی مفسران بر این باورند که حکمت و علل احکام شرعی اغلب پنهان است و وظیفه انسان، صرفاً اطاعت از دستورات شرعی و پذیرش آن‌ها بر اساس ادله معتبر است، نه جستجوی فلسفه و دلایل پشت این احکام. فهم دقیق فلسفه احکام فراتر از توان بشر است و نباید در مقام توجیه آن برآمد. ابن عربی در شرح عبارت «إِنْ تَضِلْ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرْ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» معتقد است که خداوند متعال، آنچه را قانون‌گذاری می‌کند، با علم کامل به مصالح و حکمت‌ها می‌داند و نیازی نیست که خلق، همه وجوه حکمت و انواع مصالح موجود در احکام را بدانند؛ چرا که خداوند بهترین و عادل‌ترین قانون‌گذار است (ابن عربی، ۱۹۷۲: ۲۵۵/۱). در همین راستا، در تفسیر الکاشف، به چرایی معادل بودن شهادت دو زن با یک مرد پرداخته شده و پاسخ‌های متعددی ارائه گردیده است. از جمله این پاسخ‌ها، ضعف عقلی زنان، سردی و رطوبت مزاج آن‌ها که موجب





ضعف حافظه و دقتشان می‌شود، ذکر شده است. با این حال، این پاسخ‌ها کافی تلقی نمی‌شوند، چرا که اگر ملاک، مزاج بود، باید هر مرد سردمزاج نصف شاهد و هر زن گرم مزاج یک شاهد محسوب می‌شد. علاوه بر این، معمولاً مردان توانایی بیشتری در کنترل عواطف و خواهش‌های خود دارند. بنابراین، پاسخ درست این است که وظیفه ما تمکین به نص شرعی است، حتی اگر حکمت آن برای ما روشن نباشد (مغویه، ۱۴۲۴: ۴۷/۱). به عبارتی دیگر، ایمان به دستور الهی و تبعیت از آن، بر فهم فلسفه آن مقدم است.

۲-۵- اختصاص شهادت زنان به موارد خاص

برخی مفسران، علاوه بر بیان فلسفه و علل شهادت زنان، از دیدگاه فقهی معتقدند که آیه ۲۸۲ سوره بقره اختصاص به موضوعات خاص دارد و شهادت زنان تنها در برخی موارد معتبر است. بر اساس این آیه، شهادت یک مرد و دو زن به عنوان دو شاهد پذیرفته شده است؛ بنابراین می‌توان گفت هر زمان که در متون شرعی به ضرورت حضور دو شاهد اشاره شده، می‌توان از دو مرد یا یک مرد و دو زن بهره گرفت. این حکم، چه در امور مالی و چه غیر مالی به طور کلی جاری است و تنها در صورت وجود نص یا دلیل خاص که شهادت زنان در آن موضوع پذیرفته نیست، می‌توان از این قاعده استثنا کرد (جصاص، ۱۴۰۵: ۲/۲۴۵). همچنین گروهی بر این باورند که ظاهر آیه دلالت بر جواز شهادت دو زن همراه با یک مرد در عقود دینی دارد؛ بدین معنا که هر عقدی که جنبه دینی داشته باشد، اعم از اینکه بدل دین باشد، بخشی از آن باشد یا مربوط به منافع و حتی قصاص عمد، مشمول این حکم می‌شود. بنابراین، کسانی که مدعی خارج بودن مواردی از عقود دینی از شمول این آیه هستند، باید دلیل محکمی برای این ادعا ارائه دهند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۲/۷۲۸). گروهی دیگر درباره عبارت «فإن لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان» اظهار می‌کنند که این جمله بر جواز شهادت زنان دلالت دارد، البته به شرط همراهی با مردان و نه به تنهایی. این موضوع بیشتر در دیون، معاملات و اموری که



موضوع آن مال است صدق می‌کند. اشاره خداوند به «إِنْ تَضَلَّ إِحْدَاهُمَا» نیز پاسخ به این سؤال است که چرا دو زن به جای یک مرد لازم است، که علت آن ترس از فراموشی یا گمراهی یکی از دو شاهد زن است (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۵۲/۲).

۳- تأثیر فتاویٰ فقها بر فهم مفسران از آیه «إِنْ تَضَلَّ إِحْدَاهُمَا»

آیه ۲۸۲ سوره بقره، که به شهادت زنان می‌پردازد، در طول تاریخ تحت تأثیر عمیق فتاویٰ فقها قرار گرفته و این تأثیر بر درک مفسران از آن مشهود است. در حالی که در صدر اسلام، زنان جایگاه مکلفان شرعی را داشتند، اما با گذشت زمان و تغییرات اجتماعی-فرهنگی، به ویژه در دوران عباسیان، نقش آنان محدودتر شد و این امر بر صدور فتاوا و تفسیر آیات فقهی، از جمله آیه مورد بحث، تأثیر گذاشت. یکی از نکات کلیدی در تفسیر این آیه، حضور دو شاهد زن به جای یک مرد است که فقها آن را به کاهش احتمال خطا و فراموشی در شهادت زنان نسبت داده‌اند. این دیدگاه، که ریشه در باور به ضعف حافظه و عقل زنان دارد، به صورت‌های مختلف در میان فقها مطرح شده است؛ عده‌ای به پذیرش شهادت زنان در مسائل دینی و برابری آنان با مردان اشاره دارند (شافعی، ۱۴۱۰: ۳۴/۵). در مقابل عده‌ای دیگر، شهادت زنان را مشروط به حضور دو شاهد زن برای جبران احتمال اشتباه یا تأثیر عوامل بیرونی دانسته‌اند (سرخسی، ۱۳۶۵: ۱۶/۱۴۳). این فتاوا، علاوه بر تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی، تحت تأثیر جعل و تحریف روایات نیز قرار گرفته‌اند (علمی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). روایاتی نیز که از ائمه (ع) نقل شده، مبنای فتاوا و تفاسیر بوده‌اند؛ برای نمونه، روایتی از امام علی (ع)، حکمت و عدالت الهی در برابری شهادت دو زن با یک مرد را مطرح می‌کند (بحرانی، ۱۴۲۷: ۵۶۴/۱). همچنین، در منابع اهل سنت، روایتی از پیغمبر ﷺ که شهادت زن را نصف شهادت مرد به دلیل «نقصان عقل زن» معرفی می‌کند، مبنای فتوایی مهم شده است (حسینی بخاری، ۱۴۱۲: ۹۴۱/۲). این فتاوا و روایات، چارچوب تفسیری مفسران را شکل داده و منجر به



برداشت‌های خاصی از آیه ۲۸۲ سوره بقره شده‌اند که در آن، جایگاه و اعتبار شهادت زنان به گونه‌ای خاص تعریف گردیده و پیوند عمیق میان فقه و تفسیر را نشان می‌دهد.

۴- نقد فقهی دیدگاه مفسران در ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره

پس از مرور تفاسیر مفسران درباره عبارت «إِنْ تَضَلَّ أَحَدَاهُمَا» و تفسیرات فقهی مرتبط با شهادت زنان، به ویژه در پرتو تأثیر عرف و فتاوی فقها، نقدی بر این دیدگاه‌ها با رعایت معیارهای فقهی ارائه می‌شود:

۴-۱- تعارض با نصوص روایی دیگر

روایات، پس از قرآن، از مهم‌ترین منابع استنباط فقهی‌اند. بررسی تفاسیر نشان می‌دهد مفسران بر روایاتی تکیه کرده‌اند که بر ضعف حافظه و هیجانات زنان تأکید دارند و این را دلیل بر عدم اعتبار شهادت زنان می‌دانند. اما سؤال این است که اگر این ضعف‌ها ذاتی است، چرا همان روایات شهادت زنان را در موضوعات مختلف، هم به صورت انفرادی و هم در کنار مردان پذیرفته‌اند؟ مانند روایت‌های معتبر که شهادت زنان را در امور مالی، نکاح و حتی برخی حدود جایز می‌شمارند (عاملی، ۱۴۱۷: ۳۶۳/۲۷؛ ابی شبیه، ۱۴۰۹: ۱۸۵/۶؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۵/۲۷). علاوه بر این، برخی روایات بر تساوی شهادت زنان و مردان تأکید دارند، مثلاً امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال درباره شهادت زنان در حدود قتل فرموده است: «شهادت زنان در قتل جایز است» (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۵۰/۲۷) که به وضوح نشان‌دهنده اعتبار شهادت زنان در موارد مهم است و معیاری برای جلوگیری از هدررفت خون مسلمانان است. این روایات مؤید آن است که شهادت زنان در برخی موارد به تساوی با مردان پذیرفته شده است. بنابراین، تعمیم تفسیر «إِنْ تَضَلَّ أَحَدَاهُمَا» به ضعف حافظه یا هیجانات زنان، با توجه به تعارض آن با برخی نصوص معتبر روایی، نیازمند بازنگری است.

۲-۴- ملاک «ما لا یطلع علیه الرجال» و مفهوم «ان تضل احداهما»

برخی روایات ملاکی ارائه می‌دهند که مرتبط با محدودیت‌های حضور اجتماعی زنان است نه ضعف ذاتی آن‌ها، از جمله این روایات: «لا تجوز شهادة النساء وحدهن إلا علی ما لا یطلع علیه إلا هن» (سیوطی، ۱۴۲۳: ۳۶/۳۹۷۹۷) و نیز «شهادت زنان به تنهایی در موضوعاتی که مردان نمی‌توانند بدان دسترسی داشته باشند، مجاز است» (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۰/۲۷). این نشان می‌دهد ضعف حافظه یا هیجانات زنان دلیل رد شهادت آنان نیست، بلکه علت محدودیت حضورشان در جامعه و دسترسی مردان به مشهودات است. وقتی در جامعه‌ای زنان از حضور فعال اجتماعی محروم‌اند، طبیعی است که شهادت آن‌ها کمتر مورد اعتماد قرار گیرد. آیه ۲۸۲ بقره، با بیان «ان تضل احداهما»، حکم دو شاهد زن به جای یک مرد را به دلیل ضرورت مراقبت و تذکر می‌داند، نه ضعف ذاتی زنان. این حکم در زمان و مکان خاصی جاری بوده است که زنان نقش اجتماعی کم‌رنگی داشتند.

۳-۴- ضرورت بازنگری فقهی در شرایط معاصر

امروزه با افزایش حضور زنان در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ارتقای توانایی‌های فردی و شناختی آنان، مبنای محدودیت‌های سابق دیگر قابل اعمال نیست. زنان معاصر که توانایی تحلیل و بیان مشهودات را دارند، نمی‌توانند با زنانی که به دلایل فرهنگی از حضور اجتماعی محروم بودند، یکسان پنداشته شوند. بنابراین، بسیاری از تفاسیر متأخر که شهادت زنان را ذاتیاً محدود دانسته‌اند، باید به عنوان برداشت‌هایی عارضی و مبتنی بر شرایط تاریخی و فرهنگی خاص تلقی شوند. این دیدگاه مستلزم بازنگری دقیق و تفحص علمی در روایات و متون فقهی و نیز توجه به علوم انسانی و جامعه‌شناسی اسلامی است.



۴-۴- مخالفت با مقاصد شریعت

یکی از نقدهای مهم بردیدگاه‌هایی که شهادت زنان را در مقام دو شاهد مقابل یک مرد قرار می‌دهند، تعارض این حکم با مقاصد ضروری شریعت از قبیل حفظ عقل، نفس، عدالت و حفظ دین است (فاسی، ۱۴۲۳: ۳؛ عاملی، بی‌تا: ۳۸/۱؛ سیوری حلی، ۱۴۰۳: ۶۲). اگر شهادت زنان به طور ذاتی ناتوان یا کمتر ارزش دانسته شود، این فرض ضمنی است که عقل و توان فکری آن‌ها ناتوان‌تر از مردان‌اند، امری که با مقصد حفظ عقل متضاد است؛ زیرا شارع نمی‌خواهد با احکامی عقل افراد را تحقیر یا تضعیف کند و باید پشتیبان کرامت فکری باشد. همچنین، اگر زنان در موضوعات مهم از اعتبار کامل شهادت محروم شوند، بخشی از جامعه بازمانده و در دفاع از حقوق خویش دچار ظلم می‌شوند؛ چنین وضعی با مقصود حفظ نفس و حفظ حق حیات حقوقی در تعارض است. افزون بر آن، تبعیض در ارزش شهادت بین زنان و مردان به وضوح با اصل عدالت اجتماعی که یکی از اصول بنیادین شریعت به شمار می‌آید، در تضاد است؛ چرا که عدالت اقتضا می‌کند افراد به کیفیت شایستگی و ملاک‌های عادلانه‌ای مقایسه شوند، نه بر مبنای جنسیت. نهایتاً، دین اسلام به کرامت انسان و تساوی حقوقی سفارش دارد و تبعیض منطقی بین انسان‌ها از دیدگاه شرعی می‌تواند با مقصد حفظ دین تضاد پیدا کند، چون اختلال در عدالت و کرامت، درک عمومی از دین را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد (نقیبی، ۱۳۹۶: ۲۲۹).

۴-۵- طریقت شهادت

شهادت به عنوان وسیله‌ای برای اثبات حق مطرح است و اگر شهادت زنان بتواند به احیای حق منجر شود، از نظر طریقت، تفاوتی با شهادت مردان ندارد. بنابراین، تحمیل محدودیت‌های مطلق و غیرضروری بر شهادت زنان به دلایل عارضی، نادرست است. بین مفهوم کلی دارد و شامل هرگونه مدرکی است که حقوق را اثبات کند؛ خواه دو مرد شاهد باشند، یا چهار زن، یا ترکیبی از هر دو (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸: ۶۴).



ملاک اصلی، طریقت شهادت است، نه جنسیت شاهد. سابقه محدودیت حضور زنان در جامعه باعث بی‌اعتمادی به شهادت آنان بود، اما در شرایط امروزی که جایگاه زنان ارتقاء یافته، شهادت آن‌ها قابل قبول است (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸: ۴۵). همچنین علم قاضی، معیار رسیدگی است؛ اگر شهادت دو زن برای قاضی اقناع‌آور باشد، وی باید به آن استناد کند (نراقی، ۱۴۱۵: ۲۷۳). در فقه اهل سنت نیز تاکید شده که ملاک شهادت، اقناع قاضی است و باید بر اساس طریقت، نه موضوعیت، ارزیابی شود (عوده، بی‌تا: ۴۲۷/۲).

۴-۶- انحصار به خصوصیت عارضی

مفسران به آیه ۲۸۲ سوره بقره استناد کرده و شهادت دو زن را نصف شهادت یک مرد دانسته‌اند، اما این حکم باید محدود به مورد خاص آیه، یعنی مسائل مالی، باقی بماند، زیرا حکم خلاف اصل باید به مورد خاصش اختصاص یابد. اصل «العله تخصص کما انها تعمم» بیان می‌کند که علت هم حکم را تعمیم می‌دهد و هم اختصاص می‌بخشد؛ بنابراین تفاوت شهادت زن و مرد در آیه به دلیل خصوصیت عارضی مانند فراموشی و عدم دقت در امور مالی بوده، نه به خاطر جنسیت زن به طور کلی. آیه اشاره دارد که اگر یکی از دو زن فراموش کرد، دیگری او را یادآوری کند، که نشان‌دهنده ضعف حافظه یا دقت در آن زمینه است؛ خصوصیتی که به علت شرایط زمان نزول آیه به زنان نسبت داده شده است (صانعی، ۱۳۹۳: ۵۷). بنابراین، اگر در شرایط برابر حافظه و دقت زنان و مردان یکسان باشد، شهادت آنان نیز برابر خواهد بود. به طور خلاصه، نصف بودن شهادت زنان در این آیه، معلول خصوصیت موقتی و عارضی است نه یک قاعده دائمی و ذاتی.

۴-۷- اختصاص به مقام تحمل شهادت



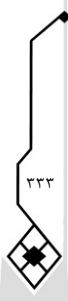
یکی از نقدهای مهم بردیدگاه مفسران این است که آیه ۲۸۲ سوره بقره اختصاص به مقام تحمل (گواه‌گیری) شهادت دارد، نه ادای آن در دادگاه. آیه توصیه به گواه‌گیری می‌کند، نه الزام به ارزش مساوی در ادای شهادت (سبحانی، ۱۴۱۸: ۵۳۴/۱). به عبارت دیگر، علت ذکر شده در ذیل آیه «أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» بیانگر این است که اگر یکی از شاهدان زن دچار فراموشی یا اشتباه شود، دیگری او را یادآوری کند تا خطا و اشتباه در شهادت پیش نیاید (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۶/۳). بنابراین، در مقام ادای شهادت، گواهی یک زن می‌تواند دلیل اثبات باشد و وجود زن دیگر جنبه احتیاطی برای یادآوری و جلوگیری از خطا دارد. همچنین مرحوم مغنیه، قاضی برجسته، اشاره کرده که گاه قاضی براساس علم خود که از دلایل و ویژگی‌های داخلی پرونده به دست آمده، ممکن است به شهادت یک زن بیش از شهادت چند مرد عادل اعتماد کند و در مقام محاکمه، شهادت یک زن را کافی بداند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۴۷/۱). اگر اشتباهی رخ ندهد و شاهد زن با دقت کامل جزئیات را بازگو کند، نیاز به تعداد بیشتری شاهد نیست.

۵- بررسی میزان تأثیر داده‌های هوش مصنوعی در بازخوانی نظام شهادت

امروزه فناوری‌های هوش مصنوعی، به ویژه ابزارهای پردازش زبان طبیعی (Natural Language Processing) و یادگیری ماشین، در بازخوانی و تحلیل متون دینی، فقهی و تفسیری وارد عرصه‌ای نوین شده‌اند. این فناوری‌ها امکان تحلیل گسترده، کمی و مقایسه‌ای میان آراء و تفاسیر مختلف را فراهم ساخته‌اند و می‌توانند با رویکردی داده‌محور، به بازخوانی متون پیچیده مانند آیه ۲۸۲ سوره بقره در زمینه نظام شهادت، کمک شایانی کنند.

۵-۱- ظرفیت هوش مصنوعی در تحلیل متون فقهی - تفسیری

پردازش زبان طبیعی به عنوان شاخه‌ای از هوش مصنوعی، امکان درک، تحلیل و تولید متون به زبان انسانی را فراهم می‌آورد. در حوزه مطالعات دینی و فقهی، به



کارگیری این فناوری ها موجب تحولات بنیادین در تحلیل متون شده است (jurafsky & martin, 2021). یکی از چالش های اصلی در تحلیل متون فقهی - تفسیری، فهم دقیق معانی واژگان در بسترهای زمانی، جغرافیایی و مذهبی مختلف است. واژه "تَضِلُّ" در آیه ۲۸۲ سوره بقره، نمونه ای از این چالش ها است؛ چرا که در متون تفسیری به معانی متعددی مانند فراموشی، گمراهی، یا نقصان در یادآوری تفسیر شده است (طبری، ۱۴۲۲، ۳ / ذیل آیه).

در رویکرد سنتی، مفسران به صورت گزاره ای و کیفی به تبیین این واژه پرداخته اند؛ اما با پیشرفت مدل های زبانی مبتنی بر یادگیری عمیق (Deep Learning)، امکان تحلیل کمی و استخراج الگوهای معنایی در گستره وسیعی از متون فراهم شده است (devlin, 2019, p 4179). مدل های پیشرفته مانند Bert و Gpt با آموزش بر مجموعه های عظیم متنی قادرند روابط معنایی پیچیده را درک و بازشناسی کنند (vaswani, 2017, p 6002). برای نمونه، در مطالعه ای مدل Bert آموزش داده شد و توانست به دقت بالایی برداشت های متفاوت از واژگان کلیدی مانند "تَضِلُّ" را در قرون مختلف تفکیک کند. نتایج این پژوهش نشان داد که برداشت های اولیه بیشتر بر مفهوم فراموشی ساده استوار بوده، ولی در تفاسیر متاخر، با تاثیر زمینه های اجتماعی و فرهنگی، معنای واژه گسترش یافته و ابعاد مختلفی به آن افزوده شده است (Ahmad, 2022, p 58). علاوه بر این، تکنیک های تحلیل شبکه معنایی (Semantic Network Analysis) که به وسیله هوش مصنوعی صورت می گیرد، امکان شناسایی ارتباطات معنایی میان مفاهیم مرتبط با نظام شهادت مانند یادآوری، ضعف حافظه، عدالت و شهادت زنان را فراهم کرده است (chen, 2021, p 228). این امر کمک می کند تا ضمن تحلیل ساختاری متن، به بازشناسی لایه های پنهان در فقه پرداخت. مطالعات فقهی جدید نشان می دهد که اجتهاد معاصر می تواند از تحلیل های داده محور بهره ببرد تا برداشت ها ثابت و ایستا از آیات را بازتعریف کند (Kamali, 2017). مفهوم "تَضِلُّ" می تواند به عنوان یک نقص طبیعی و موقتی که با



همکاری شاهد دیگر قابل جبران است، در نظام شهادت بازخوانی شود و نه یک نقص ذاتی و قطعی (Anwar, 2020, p 67).

۲-۵- بازخوانی نظام شهادت زنان در فقه با رویکرد داده محور

بازخوانی نظام شهادت زنان در فقه اسلامی با رویکرد داده محور و تفسیری، عرصه ای نوین و رو به رشد است. آیه ۲۸۲ سوره بقره، به عنوان محور اصلی نظام شهادت در معاملات مالی، در سنت تفسیری اسلام عمدتاً به شکل لزوم دو زن در مقابل یک مرد، تفسیر شده است؛ اما تحلیل های تفسیری معاصر و داده محور نشان می دهند که این حکم باید در چارچوب شرایط روان شناختی، فرهنگی و اجتماعی زمان نزول درک شود و نه به صورت قطعی و صرفاً مبتنی بر معیارهای جنسیتی. مطالعات تفسیری تاکید دارند که هدف اصلی آیه، تضمین دقت در ثبت دین و حفظ حقوق طرفین است و شرط دو زن برای احتمال فراموشی وضع شده است، نه نفی ظرفیت عقلانی زنان (طباطبائی، ۱۳۶۲: ۲ / ۴۰۳؛ ابن عاشور، ۲۰۰۱: ۱۵ / ۳۶۱).

در رویکرد داده محور، می توان تحلیل تفسیرهای مختلف از آیه ۲۸۲ سوره بقره را در بستر هوش مصنوعی با استفاده از ابزارهای تحلیل متن مانند Topic modeling یا Sentiment analysis، انجام داد. در پروژه ای، داده کاوی روی متون فقهی تفسیری اهل سنت و شیعه صورت گرفت که نشان داد از قرن ششم به بعد، تاکید بیشتری بر مفهوم "حفظ نظم معاملات" و نه جنسیت شهود دیده می شود. این تحلیل می تواند توسط هوش مصنوعی تعمیم یافته و با شناسایی کلمات کلیدی مانند "امراتان"، "شهادت"، "ضلال"، "تذکر" در متون مختلف، دیدگاه های تاریخی استخراج شود (hasan, 2023, p 112). در همین راستا، در مقاله ای با تحلیل داده محور بر ۵۰ متن فقهی کلاسیک، نشان داده اند که در بسیاری از موارد، شهادت زنان پذیرفته شده است حتی بدون همراهی مرد، مثل در زایمان، شیر دادن، یا شناخت خانواده ها. این یافته ها، با تفسیر دقیق آیه ۲۸۲ هم راستا هستند که تنها در حوزه ثبت معاملات مالی و صرفاً به صورت



توصیه ای ارائه شده است، نه قانون الزام آور (Rahman, 2024, p 67). بنابراین، بازخوانی فقهی - تفسیری نظام شهادت زنان با رویکرد داده محور، نه تنها زمینه فهم دقیق ترو علمی تر متن و سنت را فراهم می آورد بلکه امکان تطبیق متون دینی با مقتضیات اجتماعی معاصر را به شکل نظام مند میسر می سازد.

۳-۵- کشف تحولات تاریخی و اجتماعی در فقه شهادت

نظام شهادت در فقه اسلامی، به ویژه در مورد زنان، پدیده ای پویا و متحول است که در بستر تاریخی و اجتماعی شکل گرفته است. فهم این نظام بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی امکان پذیر نیست. تفاسیر کلاسیک، قانون شهادت را با در نظر گرفتن نقش اجتماعی و اقتصادی زنان آن دوره تنظیم می کردند. تفاوت در میزان شهادت زن و مرد، تابعی از این شرایط بود (ابن عاشور، ۲۰۰۱: ۵ / ۳۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲ / ۴۰۸). با گذشت زمان و تغییر نقش زنان در جامعه (گسترش آموزش، ورود به بازار کار)، فقها به بازنگری در فقه شهادت پرداختند. مطالعات معاصر در فقه تطبیقی نشان می دهد که بسیاری از قواعد سنتی شهادت قابل تعدیل هستند و این امر منجر به رویکردهای مختلف و کاهش فاصله بین شهادت زن و مرد شده است (رحیم و السید، ۲۰۲۴: ۵۴۷). تحلیل داده محور متون فقهی حاکی از آن است که اجتهاد فقها، واکنشی به شرایط اجتماعی بوده است. در دوره هایی که زنان نقش فعال تری در امور اقتصادی داشته اند، فقها تساهل بیشتری در احکام شهادت زنان نشان داده اند (احمد، ۲۰۲۴: ۵۸). ورود هوش مصنوعی و داده کاوی به مطالعات اسلامی، امکان تحلیل عمیق تر متون فقهی و شناسایی الگوهای تغییر را فراهم کرده است. این فناوری ها به دستیابی به اجتهادی نوین با رویکرد عدالت جنسیتی و واقع گرایی اجتماعی کمک می کنند (الطهاوی، ۲۰۲۳: ۲۱۸).



۶- نقد و ارزیابی قابلیت‌های هوش مصنوعی در فهم متون دینی

با وجود قابلیت‌های تکنیکی، هوش مصنوعی درک بعد اجتهادی، فلسفی و روحانی آیه را ندارد. آیه ۲۸۲ سوره بقره نه تنها یک حکم صرفاً حقوقی، بلکه حامل پیام‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی است که نیازمند تحلیل انسانی است (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲ / ۴۱۶). در تفسیر این آیه، نقش «نیت»، «ظروف زمانی-مکانی» و «سیر تاریخی» در فهم حکم شهادت زنان بسیار حیاتی است که الگوریتم‌ها به دلیل فقدان درک مفاهیم ضمنی، توانایی کامل در آن ندارند (Coeckelbergh, 2020, p 148). علاوه بر این، اجتهاد فقهی که حول این آیه شکل می‌گیرد، نیازمند فهم دقیق شرایط زنان در جوامع مختلف و عدالت جنسیتی است که صرفاً از طریق داده‌کاوی قابل استخراج نیست (Zaman & Siddiqui, 2020, p 37). بنابراین، هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین تحلیل‌های انسانی شود بلکه باید مکمل آن باشد. ترکیب توانایی‌های هوش مصنوعی در تحلیل متون با ظرفیت اجتهادی عالمان دین، می‌تواند به بازخوانی منصفانه‌تر و عادلانه‌تر نظام شهادت زنان منجر شود (Tahawy-El, 2023, p 215). با استفاده از تحلیل داده‌محور می‌توان تناقضات تاریخی و اجتماعی موجود در تفاسیر مختلف آیه ۲۸۲ را شناسایی کرد و زمینه‌ای برای اجتهاد تطبیقی فراهم آورد. بنابراین، هوش مصنوعی ابزار قدرتمندی برای شناسایی الگوهای تاریخی و اجتماعی نظام شهادت در قرآن و سنت است، ولی فهم عمیق فقهی و تفسیری آن باید مبتنی بر مشارکت و اجتهاد انسانی باشد (Hasan, 2023, p 113). در نهایت، این رویکرد ترکیبی می‌تواند به توسعه فقهی نوین با رویکرد عدالت جنسیتی در نظام شهادت کمک کند.

نتیجه‌گیری

بازخوانی فقهی - تفسیری نظام شهادت زنان در آیه ۲۸۲ سوره بقره با به کارگیری هوش مصنوعی، افقی نو در تحلیل متون دینی و فقهی می‌گشاید. در فقه اسلامی، شهادت یکی از ادله مهم اثبات دعوی است و تفسیر این آیه در بستر تاریخی و اجتماعی

نزول، به برداشت‌های متفاوتی منجر شده است. هوش مصنوعی با توان پردازش داده‌های عظیم و تحلیل تطبیقی، می‌تواند کمک کند تا بین علل عارضی (مانند فراموشی یا تفاوت‌های ناشی از شرایط زمانه) و اصولی که باید ثابت بمانند تمایز قائل شویم. با این امکان، می‌توان «عَلَّه» حکم و «خصوصیت عارضی» مندرج در آیه را دقیق‌تر بازشناخت و ارزش شهادت زنان را در موضوعات گوناگون بازتعریف کرد، آن‌چنان که نه حکم کلاسیک را به طور مطلق نفی کنیم و نه هر تفسیری را بدون بررسی زمینه قبول کنیم. همچنین، هوش مصنوعی می‌تواند تأکیدی بر نقش قاضی به عنوان کشف واقعیت، اقناع ذهنی و «طریقت» شهادت باشد؛ زیرا در فقه، ملاک نه صرفاً تعداد یا جنسیت شاهدان است، بلکه آنچه برای قاضی «علم» ایجاد می‌کند اهمیت دارد. این دیدگاه تطبیقی امکان جلوگیری از تعمیم ناموجه حکم «نصف بودن شهادت زن» را فراهم می‌آورد. در نهایت، ورود هوش مصنوعی در بازخوانی فقهی-تفسیری نمی‌خواهد صرفاً معانی کلاسیک را تکرار کند، بلکه امکان به‌روزرسانی، تطبیق و ارتقای فقه در مواجهه با تغییرات اجتماعی و علمی را فراهم می‌سازد. این رویکرد می‌تواند به تقویت جایگاه زنان در نظام حقوقی اسلامی و تحقق مقاصد پنجگانه شریعت، حفظ نفس، عقل، دین، نسب و مال یاری رساند.





منابع

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر، (۲۰۰۱)، التحرير و التنوير فى تفسير القرآن، تونس: دار الكتب العلميه.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۹۸۴)، التحرير و التنوير، تونس: دار التونسيه لنشر.
۳. ابن عربى، محمد بن عبدالله، (۱۹۷۲)، احكام القرآن، بيروت-لبنان: انتشارات دارالفكر.
۴. ابن فارس، ابو الحسين، احمد بن زكريا، (۱۴۰۴)، معجم مقائيس اللغة، قم: دفتر تبليغات اسلامى.
۵. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، (۱۳۹۳)، تأويل مشكل القرآن، بي جا: دار التراث.
۶. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، (۱۴۱۹)، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمد حسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلميه: منشورات محمدعلى بيضون.
۷. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين محمد بن مكرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بيروت-لبنان: دار الصادر.
۸. أبى شيبه، أبو بكر عبد الله بن محمد، (۱۴۰۹)، الْمُصَنَّفُ فى الاحاديث والاثار، رياض: مكتبة الرشد.
۹. احمد، سارا، خان، رياض و مالك، هما، (۲۰۲۴)، تأثير مشاركت زنان بر قوانين شهادت اسلامى: تحليل تاريخى-اجتماعى داده محور. مجله مطالعات اجتماعى اسلامى، دوره ۱۵، شماره ۱.
۱۰. امين، نصرت بيگم، (بى تا)، مخزن العرفان در علوم قرآن، اصفهان: انتشارات ثقفى.
۱۱. امينى، عبدالحسين احمد، (۱۴۱۶)، الغدير فى الكتاب و السنه و الادب، تحقيق مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، تهران: سلسله الكذابين و الوضايعين.



۱۲. اندلسی ابوحیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۱۳. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۲۷)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۴. ثقفی تهرانی، میرزا محمد، (۱۳۷۶)، روان جاوید در تفسیر قرآن، تهران: انتشارات برهان.
۱۵. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵)، احکام القرآن، تحقیق: محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۵۸)، «علم آزادی در گسترش ادله اثبات دعوا در حقوق اسلام»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۲۱.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۱)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت- لبنان: دار العلم الملائین.
۱۹. حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۰۰)، تقریب القرآن الی الاذهان، بیروت، موسسه الوفاء.
۲۰. حسینی البخاری، أبو الطیب محمد صدیق، (۱۴۱۲)، فتح البیان فی مقاصد القرآن، عدد الأجزاء: ۱۵، بیروت: المکتبة العصریه للطباعة والنشر.
۲۱. خوئی، سید روح الله، (۱۴۱۷)، المفصل فی فقه الشیعه، قم: موسسه آل البيت.
۲۲. داور پناه، ابوالفضل، (۱۳۷۵)، تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیه.



۲۴. رحیم، احمد و السید، نبیل، (۲۰۲۴)، تحولات اجتماعی-سیاسی و تکامل نظام شهادت زنان در فقه اسلامی. مطالعات خاورمیانه، دوره ۶۰، شماره ۴.
۲۵. رشید رضا، سید محمد، (۱۹۹۰)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ۱۲ جزء، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى، (۱۴۱۸)، التفسیر المنیر فی العقيدة والشریعة والمنهج، عدد الأجزاء: ۳۰، دمشق: دار الفكر المعاصر.
۲۷. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۸)، نظام القضاء والشهادة فی الشریعة الإسلامیه الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۸. سرخسی، احد بن ابی سهل، (۱۳۶۵)، المبسوط، لبنان: دار الکتب العلمیه.
۲۹. سیدالبکری، ابوبکر، (۲۰۰۱)، اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۰. سیوری حلی، مقداد بن محمد، (۱۴۰۳)، نضد القوائد الفقیه علی مذهب الامامیه، قم: کتابخانه آیت ا... مرعشی نجفی.
۳۱. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۳)، جامع الأحادیث، الجامع الأزهر وکنوز الحقائق للمناوی، مصحح: حسن عباس زکی، بیروت: الطبعة الأولى.
۳۲. شافعی، أبو عبد الله محمد بن إدريس، (۱۴۱۰)، الأم، بیروت-لبنان: دار المعرفه.
۳۳. صادقی تهرانی محمد، (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۳۴. صانعی فخر الدین، (۱۳۹۳)، بررسی فقهی شهادت زن در اسلام، قم: انتشارات میثم تمار.
۳۵. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۶۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲)، مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: فراهانی.

۳۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۲)، جامع البیان فی تاویل القرآن: دارالفکر.

۳۸. طوسی، شیخ ابو جعفر، (۱۴۱۷)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: دارالکتب الاسلامی.

۳۹. الطهاوی، منی، (۲۰۲۳)، بازخوانی شهادت زنان در حقوق اسلامی: رویکردی معاصربه برابری و عدالت. بازبینی حقوق اسلامی، دوره ۲۹، شماره ۳.

۴۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷)، الدروس الشرعیه فی الفقه الامامیه، قم: دفتر وابسته به حوزه علمیه قم.

۴۱. علمی، خدیجه، و دیگران، (۱۳۹۵)، «شاخصه های سیاسی-اجتماعی نگاه جاهلی به زن در متون تاریخی و روایی»، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۱.

۴۲. عوده، عبد القاهر، (بی تا)، التشریع الجنایی الاسلامی، بیروت: دارالکتب العربی.

۴۳. فاسی، علال، (۱۴۲۳)، مقاصد الشریعه الاسلامیه و المکارمها، قاهره: دارالسلام.

۴۴. فاضل مقداد جمال الدین مقداد بن عبدالله، (۱۴۱۹)، کنزالعرفان فی فقه القرآن، تحقیق: سید محمد قاضی، بی جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۴۵. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۱۹)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.

۴۶. فنائی اشکوری، محمد، (۱۳۷۷)، منزلت زن در اندیشه اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۴۷. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

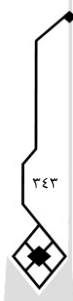
۴۸. قطب، سید محمد، (۱۳۸۶)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۹. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۳۶)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

۵۰. لاهیجی، بهاء الدین، (۱۳۴۰)، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: محمد ابراهیم امینی، بی جا: انتشارات موسسه مطبوعاتی علمی.



۵۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۲. مدرسی، محمد تقی، (۱۳۷۷)، من هدی القرآن، تهران: دارالمحیی الحسین.
۵۳. مراغی احمد بن مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۴. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۵. مقدس اردبیلی احمد بن محمد، (بی تا)، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۵۶. مکارم شیرازی و همکاران، (۱۴۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۷. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، (۱۴۰۸)، فقه القضاء، قم: منشورات مکتبه امیرالمومنین.
۵۸. نجفی، محمد حسین، (۱۴۱۰)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۵۹. نراقی، ملا احمد، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی الاحکام الشریعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۶۰. نقیبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۶)، مقاصد شریعت و جایگاه آن در استنباط حکم شرعی، پژوهش های فقهی، دوره سیزدهم، ش ۲.
۶۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۷۶)، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
62. Ahmad, s, khan, f, & malik, m. (2022). Application of bert model in semantic analysis of quranic exegesis text. Journal of Islamic studies and al, 5(1).
63. Almalki, A., Chen, X., & Aljohani, N. (2020). Applications of Artificial Intelligence in Islamic Studies: A Review. Journal of Information Science.
64. Anwar, m, (2020), Rethinking testimony in Islamic jurisprudence: A contemporary perspective, journal of Islamic law, 14(1).



65. Brennan, J., & Johansson, F. (2019). AI and the Humanities: New Perspectives on Interpretation. Digital Scholarship in the Humanities
66. Chen, y, zhang, x, (2021), semantic network analysis in religious text: A deep learning approuch, international hournal of computational linguistics, 12(3).
67. Coeckelbergh, M. (2020). AI and the Meaning of Life: A Philosophical Inquiry. Philosophy & Technology, 33(2).
68. Devlin, j chang, m, (2019), Bert: pre-training of Deep bidirectional transformers for language understanding. Proceedings of Naacl-hlt.
69. El-Tahawy, M. (2023). Revisiting Women's Testimony in Islamic Law: A Modern Perspective on Equality and Justice. Islamic Law Review, 29(3).
70. Goodfellow, I., Bengio, Y., & Courville, A. (2016). Deep Learning. MIT Press.
71. Hasan, z, (2023), Toward AI-driven Islamic jurisprudence: A text mining approach to figh data. Journal of Islamic ethics, 8(2).
72. Hasan, Z, Shukri, M., & Abu Bakar, F. (2023). Towards AI-Driven Islamic Jurisprudence: A Text Mining Approach to Fiqh Data. Journal of Islamic Ethics, 8(2).
73. Jurafsky, d, martin, j, (2021), Speech and language processing (3rd – ed). Draft. [http:// web. Stanford. Edu /~jurafsky /sip3 /](http://web.Stanford.Edu/~jurafsky/sip3/).
74. Kamali, m, (2017), Shariah law: An introduction. Oneworld publications.
75. Rahman, m, (2024), Womens testimony in islamic jurisprudence:A data – driven analysis across madhahib. Islamic law and society, 31 (1).
76. Russell, S., & Norvig, P. (2021). Artificial Intelligence: A Modern Approach. Pearson.

77. Vaswani, A, shazeer, N, (2017), Attention is All you need. Advances in neural information processing systems.

78. Zaman, M., & Siddiqui, A. (2022). Challenges in Automated Interpretation of Religious Texts: A Critical Review. Journal of Religious Computing, 10(1).

